



Explanation of the motif of wisdom in the poems of Parvin Etesami

Mohammad Emami*,¹

1. Ph.D. student of Persian language and literature, Humanities and Cultural Studies Research Institute

ABSTRACT

Keywords:

Wisdom,
Intellect,
Reasoning,
Educational literature,
Simile.

This article has been written with the aim of explaining the place of the motif and basis of wisdom in the poems of Parvin Etesami. Parvin approach to many social, educational and educational relationships is based on wisdom and reasoning. In his poems, Parvin is a caring teacher and a perfectionist sage who, with the light of reason, guides broken hearts and depressed minds with wise expressions and mystical consolations towards effort and action, hope of life, taking hold of the soul, acquiring perfection and art, double effort and action and action. Happiness and virtue guide. The question of this research is how did Parvin express these teachings, which is different from the speech of her predecessors? In the shade of wisdom and by using literary and expressive possibilities, parvin Etesami has nurtured and represented many constructive teachings that lead to human happiness in her magnificent and dynamic mind and language. This research has analyzed and investigated the explanation of wisdom and wisdom with documentary and library method.

1 .Corresponding author
Memami2050@gmail.com

ISSN (Online):

DOI: 10.48310/rpllp.2024.15704.1141


Received: 1402/11/06

Reviewed: 1403/07/21

Accepted: 1403/08/06

PP: 14

Citation (APA): Emami.M, (2023). Explanation of the motif of wisdom in the poems of Parvin Etesami. *Journal of research in Persian language and literature education*, 5(2), 27-40.

 <https://doi.org/10.48310/rpllp.2024.15704.1141>.



تبیین موتیف خردورزی در اشعار پروین اعتصامی

مقاله پژوهشی

محمد امامی^۱

۱. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

نوشته حاضر، با هدف تبیین جایگاه موتیف و بن‌مایه خردورزی در اشعار پروین اعتصامی صورت گرفته است. رویکرد پروین به بسیاری از مناسبات اجتماعی، تعلیمی و تربیتی بر مبنای خرد و تعقل شکل گرفته است و صدای پیرخرد در سرتاسر شعر پروین طنین‌انداز است. پروین در سروده‌هایش، معلمی دلسوز و حکیمی کمال‌گرا است که با چراغ عقل، دل‌های شکسته و خاطر افسرده را با بیانات حکیمانه و تسلیت‌های عارفانه به‌سوی سعی و عمل، امید حیات، اغتنام دم، کسب کمال و هنر، همت مضاعف و اقدام و عمل، نیک‌بختی و فضیلت رهنمون می‌کند. پرسش این تحقیق این است که پروین این تعالیم را با چگونه بیان کرده است که از گفتار پیشینیان متمایز گشته است؟ بررسی‌های نشان می‌دهد پروین در سایه خردورزی و با بهره‌گیری از امکانات ادبی و بیانی، بسیاری از تعالیم سازنده را که موجب سعادت انسان می‌شود در ذهن و زبان فاخر و پویای خود پرورانده و بازنمایی کرده است. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای بن‌مایه خرد و خردورزی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

DOI:

10.48310/rpllp.2024.15704.1141

واژه‌های کلیدی:

خرد،
عقل،
خردورزی،
تعقل،
ادبیات تعلیمی،
تشبیه،
پروین اعتصامی.

۱. نویسنده مسئول

memami2050@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

شماره صفحات: ۱۴

مقدمه

پروین اعتصامی فرزند میرزا یوسف‌خان اعتصام‌الملک آشتیانی در ۲۵ اسفندماه ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد. آموختن فارسی و عربی را در دامان خانواده آغاز کرد. پروین به توصیه پدرش برای آموختن زبان انگلیسی وارد کالج آمریکایی تهران شد و پس از آن در سفرهای داخلی و خارجی همراه پدر بود (باحقی، ۱۳۷۸: ۱۷۱). سرودن شعر را از هشت‌سالگی آغاز کرد و نخستین شعرهایش را در مجله بهار که پدر او منتشر می‌کرد، به چاپ رسانید و مورد تشویق و اعجاب اهل ادب قرار گرفت (همان: ۱۷۱). رفت‌وآمد به محافل ادبی، تشویق پدر به سرودن شعر و استقبال از شعر شاعران کهن همچون فردوسی، نظامی، مولوی، انوری، ناصرخسرو، منوچهری و... سبب شد ذوق و قریحه شاعر شکوفا گردد و از این رهگذر پیداست که تربیت پدر باید عامل عمده‌ای در تربیت ذوقی شاعر جوان باشد و عشق و علاقه پروین به پدر هم از جای‌جای دیوان پیداست. (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۳۶۴). پروین از کودکی گوشه‌گیر و مردم‌گریز بود، کمتر سخن می‌گفت و بیشتر می‌اندیشید (آرین‌پور، ۱۳۷۴: ۵۴۰). حضور در محافل ادبی، باعث آشنایی وی با ملک‌الشعراى بهار گردید. بهار بعدها بر دیوان اشعار پروین مقدمه نوشت. دیوان اشعار پروین که در زمان حیات او چاپ شد دارای ۵۶۰۰ بیت است که شامل قصاید، مثنوی‌ها، قطعات اخلاقی و اجتماعی است.

قصاید پروین، غالباً بر شیوه ناصرخسرو و احیاناً نزدیک به طرز بیان سنایی و مسعود و ظهیر واقع شده است. (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۳۶۶). ملک‌الشعراى بهار در دیباچه دیوان پروین می‌گوید: «در قصاید خانم پروین، خواننده خود را یکباره در عوالمی رنگارنگ که به صورت یک‌عالم مستقل درآمده باشد، می‌بیند؛ طرز بیان ناصرخسرو را در تمثیلات سنایی و استغنائی حافظ را در فصاحت و صراحت سعدی می‌نگرد. حکیمی عارف و عارفی حکیم و ناصحی پاک‌سرشت جای به جای در خودنمایی و جلوه‌گری است» (دیباچه دیوان، ۲۹). پروین از دایره شعر استادان قدیم قدمی فراتر ننهاده و هیچ‌گونه دخل و تصرفی در سبک و شیوه قدما نکرده است (آرین‌پور، ۱۳۷۴: ۵۴۱).

«قطعات» دیوان پروین به قول ملک‌الشعراى بهار روح دیوان شاعر است. لطف بیان و دقت معانی و ذوق ابتکار در اینجا اتفاق و امتزاجی بسزا دارد (دیوان: ۲۹). پروین اعتصامی در «قطعات» خود، مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان طیور، از زبان مادران فقیر، از زبان بیچارگان بیان می‌کند (همان: ۳۰). مهم‌ترین ویژگی اشعار پروین تعلیمی بودن و حکم بودن و خردورزی است. شعر پروین آمیزه‌ای است از حکمت و اندرز کلاسیک، با نوعی همدردی و همدلی و واکنش در برابر محیط که گاه یادآور آثار درخشان سخن‌سرایان کهن است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۸۲). ستایش خرد و اندیشه‌های والای انسانی، آموزش حکمت و اخلاق و طرح مسائل تربیتی فلسفی و مضامین پندگونه در شعر وی نموده ویژه‌ای دارد. در واقع می‌توان گفت که شعر پروین اعتصامی، شعر جهانی انسانی است. با مضمون‌هایی که به دایره اخلاق پیوند می‌خورد؛ قدرت و ستم و ظالم را مورد نقد قرار می‌دهد و ریا و نادانی را نکوهش می‌کند؛ خرد و آزادی و انسان و سعادت او را مود تأکید قرار می‌دهد. دیوان پر بار پروین مدیون مطالعه دیوان شاعران بزرگ ایران زمین و دسترسی به منابع و حضور در محافل ادبی بوده است. مضامین تعلیمی بسیاری از شاعران بزرگ شعر فارسی دستاورد مطالعات بی‌وقفه پروین اعتصامی است که آن را به طرز هنرمندانه پرورانده و به صورت دیگر در شعر خود منعکس کرده است. پروین از پیشگامان شعر عصر تجدد در ایران بود و با مبانی خردگرایانه شعر خود، نیازهای عصر روشنفکری مشروطه را پاسخ می‌داد (صدرایی، ۱۳۹۵: ۱۵۶).

واقع‌گرایی و تکیه بر خرد و اراده و مسئولیت انسان در قبال سرنوشت خود و جامعه شالوده نگاه اجتماعی وی را تشکیل می‌دهد. پرهیز از خرافه و اوهام و تکیه بر کار و تلاش مضاعف در شعر او بن‌مایه است که به خوبی با نیازهای اجتماعی عصر تجدد هماهنگ و همسو است (مشرف، ۱۳۹۰: ۱۳۵). شعر پروین از لحاظ فکر و معنی، بسیار پخته و متین است. وی اندیشه‌گری تواناست که حاصل تأملات و تفکرات خود درباره انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی و

نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است. بی گمان او در این باب از اندیشه پیشینیان بهره‌مند شده است اما سخنان رنگ تقلید و تکرار به خود نگرفته و در اندیشه و طرز بیان از اصالت برخوردار است (یوسفی، ۱۳۶۸: ۴۱۴).

تبیین موضوع و تمهید مسئله

«خردورزی» هم‌معنای «تعقل» است. تعقل مصدر باب تفعل و به معنای عقل را به‌کارگرفتن و اندیشیدن است به تعبیر دیگری دریافت امری با سختی و دشواری است. خرد و دانش نیز ترجمه عقل است. بدین سبب عقل نامیده می‌شود که صاحب خود را از سقوط در مهلکه‌ها و خطرات حفظ می‌کند و رفتار مادی و معنوی انسان را هدایت می‌کند. خرد از نظر معنایی معادل دقیق واژه یونانی (Nous) که در برگیرنده دو معنای «خرد» و «عقل سلیم» است؛ یعنی هم به معنای نیروی فهم و دریافت و هم به معنای اندیشه خداوندی است که از طریق آن جهان را می‌آفریند و نگهداری می‌کند (زهر، ۱۳۷۵: ۴۸۱).

خردورزی از فضایی است که بر اساس آن، آدمی می‌تواند مدینه فاضله‌ای برای خود بسازد و از نتایج گفتار و کردار خود مطمئن و آسوده‌خاطر گردد. علم و دانش و خردورزی بیش از هر چیز در اشعار پروین مورد ستایش و تقدیر قرار گرفته است. علم و دانشی که رهایی‌بخش آدمی از چنگال بلاهت خویش و شقاوت دیگران است (ممتحن و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). توجه به خرد و خردورزی از عناصر اصلی شعر پروین است که با امکانات بیانی و ادبی در دستگاه فکری وی تبیین و بازنمایی شده است. در این گفتار سعی شده است لایه‌های زیرین سخن پروین را از رهگذر خردورزی و سیر حکمت در اشعار وی مورد بحث و بررسی قرار دهیم. دیوان پروین اعتصامی سرشار از مفاهیم خردگرایی، علم‌گرایی، تعقل، بی‌اعتباری جهان، نقد لذت‌جویی و حاوی اندیشه‌های سعادت‌مندی است و بدیهی است که بیان هر مضمونی و موضوعی جز این، باید از رهگذار خرد بررسی شود.

پیشینه پژوهش

درباره شعر پروین اعتصامی پژوهش‌های متعددی صورت‌گرفته است؛ از جمله صدرایی (۱۳۹۵: ۱۵۳-۱۷۰) در مقاله «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین و انوری)» با تکیه بر نظریه‌های بینامتنیت، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی دو اثر «اشک یتیم» از پروین و «والی شهر ما گدایی بی‌حیاست» انوری را ارزیابی می‌کند. مستعلی پارسا و قدیری یگانه (۱۳۸۸: ۱۱۶-۹۸) در مقاله «حکمت عملی از دیدگاه پروین اعتصامی» حکمت عملی و شاخه‌های آن را در شعر پروین مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله، فضایل اخلاقی، تدبیر منزل، سیاست مدن از دیدگاه پروین اعتصامی و بزرگان حکمت و فلسفه نظیر فارابی مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است.

در پژوهش دیگری ممتحن و محمدی (۱۳۹۰: ۲۳-۵۲) «پروین در گذرگاه ادبیات تعلیمی» به مفاهیم تعلیمی و اندرزی شعر پروین و بیان و تحلیل بن‌مایه‌های تعلیمی همچون «فروتنی و تواضع، عرفان و ادب، تعالیم اخلاقی و انسانی، توصیه به نیکی و هنرورزی، پرهیز از حرص و آز و...» پرداخته شده است.

گودرزی و ساکی (۱۳۹۰: ۱۰۸-۹۰) در مقاله «روزگار، خرد و جهل از دیدگاه ناصر خسرو قبادیانی و احمد شوقی» به بررسی تطبیقی دیدگاه این دو شاعر پرداخته شده است. در این مقاله، آرای پروین اعتصامی و احمد شوقی در باب خرد و جهل به طور عام و بیان مسائل کلی پرداخته شده است و دیدگاه فکری هر دو شاعر در باب «دهر و روزگار» با نگاه دقیق و جامعی مورد بررسی قرار گرفته است.

باوجود تحقیقات ارزشمندی که صورت گرفته است تاکنون به طور مستقل هیچ پژوهشی در مقام موضوع پرداخته نشده است. در این پژوهش تلاش شده است تا لایه‌های زیرین سخن پروین درباب تبلور مضمون و موتیف خردورزی چه از حیث مفهوم و معنا و چه از منظر ادبی و بیانی و نحوه بازنمایی آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

بحث و بررسی

۱- دنیا در جهان اندیشگی شاعر

پروین درباره اعتبار جهان و پایان زندگی انسان یا مرگ به‌طور جدی اندیشیده و با امکانات بیانی و به‌ویژه از زبان تشبیه مخاطب خویش را به تأمل و تفکر در گذرا بودن حیات و دوراندیشی وامی‌دارد. این موضوع به‌خصوص در قصاید شاعر انعکاس بیشتری دارد و بسامد بالای واژه خرد و معانی موازی آن (حدود ۵۰ بار) گواه جایگاه و شکوه مقام خرد از دید پروین است.

تصویر آرمانی پروین از جهان نیکی ورزیدن است. وی با دیدی خردمندانه جهان را می‌نگرد. از نظر وی نیکی است که پاینده است و جهان سرابی بیش نیست!

جز گرد نکویی مگرد هرگز / نیکی است که پاینده در جهان است (دیوان: ۳۰۵)

شالوده کاخ جهان بر آب است / تا چشم به هم برزنی خراب است (همان: ۳۰۳)

قصر رفیع معرفت و کاخ مردمی / در خاکدان پست جهان برترین بناست (همان: ۳۰۲)

در تصویر دیگری، راز رهایی و آزادی از بند اسارت را پشت‌پازدن به دنیا و ترک تعلقات دنیایی می‌داند:

رهائیت باید رها کن جهان را / نگهدار از آلودگی پاک جان را

به سر بر شو این گنبد آنگون را / به هم بشکن این طبل خالی میان را (همان: ۲۸۶)

دهر هر تلّه نهد، بگذر و بگذارش / چرخ هر تحفه دهد، منگر و مستانش (همان: ۳۴۷)

از نظر شاعر دنیا خاکدانی بیش نیست؛ زندگی واقعی در ملک آن جهانی است. دنیا به‌مثابه مهمان‌خانه آز و هوس است. پیشنهاد خردمندانه شاعر برای رهایی از بند این دنیای پرآشوب و امثال آن واگذاری آن است.

به مهمان‌خانه آز و هوس جز لاشه چیزی نیست / برای لاشه خوار آن واگذار این میهمانی را (همان: ۲۸۸)

تا از جهان سفله نه‌ای فارغ / هرگز نخواند اهل خرد رادت (همان: ۲۹۱)

پروین باتکیه بر آموزه‌های دینی و اخلاقی خود و به پیروی از نگاه معصومین و اندیشه‌های مذهبی دنیا را محل گذر و محلی برای نیکی و استفاده درست از فرصت‌ها می‌داند.

گرت ای دوست بود دیده روشن‌بین / به جهان گذران تکیه مکن چندین (همان: ۳۷۵)

آن چنان کن که به نیکی مکافات دهند / چو گه داوری نوبت کیفر گردد (همان: ۳۱۶)

وی پیوسته انسان آگاه را ره دل‌نستن به جهان غدار و ناپایدار پند می‌دهد و قرارگرفتن روح بلند او را در دنیای تیرگی‌ها و پستی‌ها به حال مرغکی مانند می‌کند که پیش از خارج‌شدن از تخم خویش آنجا را بس فراخ و گسترده می‌پندارد؛ غافل از اینکه در ورای آن تخم، جهانی است که در آن می‌تواند تا اوج پرواز کند و سرمست و رها نغمه‌خوانی کند (مستعلی پارسا و قدیری یگانه، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

مرغک اندر بیضه چون گردد پدید / گوید اینجا بس فراخ است و سپید

گه پرد آزاد در کهسارها / گه چمد سرمست در گلزارها

گاه برچیند ز بامی دانه‌ای / سر کند خوش‌نغمه‌ای مستانه‌ای (دیوان: ۸۵)

بنابراین حال روح آدمی نیز چنین است که پس از گذران از این دنیایی که آن را فراخ می‌پندارد به دنیایی رسد که فراتر از پندارش بوده و آنچه تاکنون دیده سایه‌ای بیش نبوده است (مستعلی پارسا و قدیری یگانه، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

محبس تن بشکن و پرواز کن این نخ پوسیده از پا و کن

تا ببینی کانچه دیدی ماسواست / تا بدانی خلوت پاکان جداست...

تا ببینی کعبه مقصود را / برگشایی چشم خواب‌آلود را

تا بیاموزند اسرار حقت / تا کنند از عاشقان مطلق (همان: ۸۶)

۲- غم جهان

یکی از معیارهای خردورزی، بی‌اعتنائی به غم‌های جهان و غم گذشته نخوردن است. دنیا چنان ارزشی ندارد که غم آن را خورند و به آن دلبسته شوند:

ای دل عبث مخور غم دنیا را / فکرت مکن نیامده فردا را (همان: ۲۸۳)

در نظر خردمندان تا زمانی که جهان و تعلقات مادی فارغ و بی‌اعتنا نباشی در شمار خردمندان و جوانمردان به حساب نخواهی آمد:

تا از جهان سفله نه ای فارغ / هرگز نخوانند اهل خرد رادت (همان: ۲۹۱)

۳- جبر اجتماعی و تقدیر الهی

دیوان پروین جلوه‌گاه بُعد فکری و تأملات فکری پروین است که با دیدی انتقادی و با تمسک به خردورزی مسائلی همچون فقر، جهل، بی‌سوادی، رنج طبقه محروم و دردمندان، مشکلات جامعه و حکومت، لزوم سعی و عمل، قضاو قدر، ظلم‌ستیزی و... را واکاوی کرده است. از نظر پروین ناهنجاری‌های اجتماعی و به‌طریق‌اولی فقر و تنگدستی، به معنای عدم وجود معیارهای روشن برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی است. در این شرایط، فرد احساس از دست دادن عزت نفس می‌کند و سبب می‌شود که به اعمالی از قبیل خودکشی اقدام نماید. در شعر «روح آزاده» که به نظر می‌رسد جلوه‌گاه بُعد عقلانی پروین است مسئله فقر و تقدیر الهی و توانایی و سعی و عمل در دوره جوانی با دیدی خردمندانه واکاوی شده است. در این شعر جوان فقیر تصویر فردی افسرده‌دل، ناامید و جامعه‌گریز ارائه می‌شود. از دریچه خرد، فقر شوم و باعث تزلزل شخصیت است.

بلای فقر تنم خسته کرد و روح بکشت / به مرگ قانعم، آن نیز رایگانی نیست

کسی به مثل من اندر نبردگاه جهان / سپاه‌روز بلاهای ناگهانی نیست (همان: ۱۹۵)

در نگاه احساسی شاعر که از زبان جوان فقیر ارائه می‌شود جوان سرخورده و در آرزوی مرگ است در مقابل نگاه پیر نگاهی از سر تجربه و خرد است که بر نگاه احساسی جوان غلبه دارد:

به خنده، پیر خردمند گفت تند مرو / که پرتگاه جهان، جای بد عنانی نیست

چو بنگری، همه سر رشته‌ها به دست قضاست / ره گریز، ز تقدیر آسمانی نیست (همان: ۱۹۶)

در نگاه پیر، سر رشته امور به جبر الهی باز بسته است. اما در نگاه واقع‌بینانه، تلاش و کوشش معتبر شمرده می‌شود:

چو دستگاه جوانیت هست، سودی کن که هیچ سود، چو سرمایه جوانی نیست

ز بازویت نربودند تا توانائی / زمان خستگی و عجز و ناتوانی نیست

به ملک زندگی، ای دوست / رنج باید برد دلی که مرد، سزاوار زندگانی نیست (همان: ۱۹۶)

پروین در شعر «صاعقه ما، ستم اغنیاست»، «ظلم» را نماد وقاحت و بی‌شرمی شخص ظالم توصیف می‌کند:

مردم این محکمه، اهریمن‌اند / دولت حکام، ز غصب و رباست

آنکه سحر، حامی شرع است و دین / اشک یتیمان، گه شب غذاست

لاشه خوراند و به آلودگی / پنجه آلوده ایشان گواست

... پیر جهان دیده بخندید کاین / قصه زور است نه کار قضاست

مردی و عدل و مساوات نیست / زان ستم و جور و رواست (همان: ۱۵۸، ۱۵۹)

از محتوای این شعر چنین بر می‌آید که پیر خردمند یا همان خود واقعی شاعر با لحن حاکم بر آن خردمندانه جنبه‌های متعدد خردورزی را بیان می‌دارد. پروین از دریچه نگاه پیر خردمند با بیان این نکته که ریشه نابسامانی‌ها ناشی از ظلم شاهان و ستم قدرتمندان است آدمی را به گذرا بودن زندگی، پرهیز از هواهای نفسانی و تکیه بر سرمای خویشتن و نیل به سعادت اخروی رهنمون می‌کند.

۴- دم و اغتنام فرصت

پروین اعتصامی به تأثیر اندیشه‌های خیام، دیدگاهی مشابه به زندگی و فرصت‌ها دارد. از رهگذر خرد زندگی را بسیار کوتاه و گذرا می‌داند و همچون حکیم خردمندی دعوت به اغتنام فرصت می‌کند:

روز به گذشته خیال است که از نو آید/ فرصت رفته محال است که از سر گردد (همان: ۳۱۴)

زندگی جز نفسی نیست غنیمت شمرش/ نیست امید که همواره نفس بر گردد (همان: ۳۱۵)

عمر گذران را تبه مگردان / بعد از تو مه و هفته بی‌شمار است

زندانی وقت عزیز، ای دل/ همواره در اندیشه فرار است (همان: ۲۹۲)

وقت گذشته را نتوانی خرید باز/ مفروش خیره کاین گوهر پاک بی‌بهاست (همان: ۲۹۹)

- در قصاید دیگری به کرات اندیشه اغتنام دم و فرصت‌ها بیان شده است:

این دشت خوابگاه شهیدان است/ فرصت شمار وقت تماشا را (همان: ۲۸۵)

آبی بکش از چاه زندگانی/ همواره نه این دلو را طناب است (همان: ۳۰۳)

وقت مانند گلویند بود، پروین / چو شود پاره، پراکنده شود گوهر (همان: ۳۴۳)

نکته قابل تأمل در شعر پروین که «استقلال فکری» خود را نسبت به شعر گذشته نشان می‌دهد نگاه خردمندان‌های است که به عمر آدمی دارد. وی معتقد است آدمی نه تنها باید قدر فرصت‌ها و زندگی را بداند و دم را غنیمت شمرد؛ بلکه باید به گذشته خود نیز نظر کند:

از عمر رفته نیز شماری کن / مشمار جدی و عقرب و جوزا را (همان: ۲۸۵)

۵- دوری از تعصب و نقد جنسیت

در نظر پروین، علت غایی بشر خرد و حکمت است. او همچون مصلح و حکیمی سخن‌دان بر کرسی وعظ می‌نشیند و به‌دوراز هرگونه جانب‌داری و تعصب، خردمندان و سازنده داد سخن می‌دهد:

آن کو که به راه راست می‌زند گام / هر جا که برد رخت، کامران است (همان: ۳۰۶)

در قطعه «فرشته‌انس» خریداری گوهر تعلیم‌وتربیت را برای زن ضروری دانسته است و مفهوم زن را با پیوندزدن به گوهر دانایی و کسب فضیلت‌های انسانی مفهوم تازه‌ای بخشیده است:

چه زن چه مرد کسی شد بزرگ و کامرا که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامن
به رسته هنر و کارخانه دانش/ متاع‌هاست بیا تا شویم بازرگان
زنی که گوهر تعلیم‌وتربیت نخرید/ فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
چه حله‌ای است گران‌تر از حیلت دانش / چه دیبه‌ای است نکوتر ز دیبه عرفان (همان: ۲۵۵)

در بینش خردمندان پروین زن و مرد از حقوق مساوی و برابر برخوردارند و دانش و فضیلت حله‌ای گران‌بهاست که شایسته است زنان متحلی به آن گردند، پیام پروین با بیان هنری تشبیه و دیگر امکانات ادبی به‌خوبی تبیین شده است:

روان به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت/ برای مرد کمال و برای زن نقصان (همان: ۲۵۳)

... چه حله‌ای است گران‌تر ز حیلت دانش / چه دیبه‌ای است نکوتر ز دیبه عرفان
هر آن گروه که پیچیده شد به دوک خرد/ به کارخانه همت حریر گشت و کتان (همان: ۲۵۶)

در قطعه «نهال آرزو» کوشش، دانش‌اندوزی و دانایی را می‌ستاید؛ دانستن را معتبر می‌شمارد و تنها ملاک برتری زن و مرد را همین رتبت می‌داند. از راه دانش و دانایی و خرد می‌توان به اقلیم سعادت دست یافت. با چراغ معرفت با ارزش‌نهادن دانایی باور خرافی هوشیاری و جنس مذکر و کودنی جنس مؤنث را مردود می‌شمارد و مادر را که نخستین آموزگار آدمی است ارج می‌نهد. معتقد است از دامان مادر طفل دانشور می‌پرورد و برتری به دانش و دانایی است نه با ثروت و هنر، تفاوت و ملاک برتری انسان‌ها بر چارپایان است.

ای نهال آرزو، خوش زی که بار آورده‌ای/ غنچه بی‌باد صبا، گل بی بهار آورده‌ای
باغبانان تو را، امسال سال خرمی است/ زین همایون میوه، کز هر شاخسار آورده‌ای

شاخ و برگت نیکنامی، بیخ و بارت سعی و علم/ این هنرها، جمله از آموزگار آورده‌ای
 خرم آنکو وقت حاصل ارمانی از تو برد/ برگ دولت، زاد هستی، توش کار آورده‌ای
 غنچه‌ای زین شاخه، ما را زب دست و دامن است/ همتی، ای خواهران، تا فرصت کوشیدن است
 پستی نسوان ایران، جمله از بی دانشی است/ مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است
 زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست/ شاهراه سعی و اقلیم سعادت، روشن است
 به که هر دختر بداند قدر علم آموختن/ تا نگوید کس، پسر هشیار و دختر کودن است
 زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری/ بر نکرد از ما کسی زین خواب بیدردی سری
 از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند/ نام این قوم از چه، دور افتاده از هر دفتری
 دامن مادر، نخست آموزگار کودک است/ طفل دانشور، کجا پرورده نادان مادری
 با چنین درماندگی، از ماه و پروین بگذریم/ گر که ما را باشد از فضل و ادب، بال و پری (همان: ۲۶۲)
 در قطعه «فرشته آنس» با نگاهی باریک و خردمندانه، زن و مرد را تار و پود نقش زیبای زندگی می‌پندارد و معتقد
 است آرامش حقیقی در نتیجه پیوند این دو به دست می‌آید. از سویی وظایف هر یک را بر می‌شمارد و اصل تعاون و
 همکاری را محترم می‌شمارد. او در ضمن برشمردن وظایف زن و مرد، راه‌کارهایی برای سبک زندگی سالم و بر پایه
 سعی و عمل را توصیه می‌کند:

وظیفه زن و مرد، ای حکیم، دانی چیست/ یکیست کشتی و آن دیگریست کشتیان
 چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم/ دگر چه باک ز امواج و ورطه و طوفان
 بروز حادثه، اندر یم حوادث دهر/ امید سعی و عملهاست، هم ازین، هم ازان
 ...توان و توش ره مرد چیست یاری زن/ حطام و ثروت زن چیست مهر فرزندان
 ...بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش/ به حرف زشت، نیالود نیکمرد دهان
 چه زن چه مرد کسی شد بزرگ و کامروا / که داشت میوه ای از باغ علم، در دامان (همان: ۲۵۳)
 ۶- گوهر تن:

ز ادب پرس می‌رس از نسب و ثروت/ ز هنر گوی مگوی از پدر و مادر
 مکن این گونه تبه، جان گرامی را / که به تن هیچ نداری تو ز جان خوشتر (همان: ۳۴۰)
 ۷- گریز از میان‌مایگی:

اگر چه در ره هستی هزار دشواری است / چو پرّ کاه پریدن ز جا سبکساری است
 ... گریختن از کژی و رمیدن از پستی/ نخست سنگ بنای بلند مقداریست (همان: ۳۰۶)

۸- آز و زیاده خواهی:

در فرهنگ کهن ایران باستان، خرد منبع و سرچشمه همه ویژگی‌های خوب بشری است. آز، سرچشمه همه پست‌های
 اخلاقی است. از یکی دانایی و دیگری بد آگاهی بر می‌خیزد. آز به تن حمله می‌کند و حتی جان و روان را نیز می‌کوبد و
 دچار آسیب می‌کند. آز زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن و دوستی دنیاست (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). آز، اصل و اساس
 بی‌نظمی است که نظم طبیعی و فطری تاخته است. او افراط و تفریط و مخالف میان روی و اعتدال محسوب می‌شود
 (زهر، ۱۳۷۷: ۳۷۹). آز و زیاده خواهی در نتیجه حکمرانی هوا و هوس است و پرهیز از آز در نتیجه خردورزی به دست
 می‌آید.

در شعر پروین اعتصامی آز نکوهیده است. آزادگی و آز میان‌های ندارند. کسی که بسته دام هوا و هوس و آرزوها و
 زیاده‌خواهی‌هاست در شمار آزادگان نیست و آز، همچون تیغی است که بر پیکره جان زده می‌شود و باعث مرگ آن
 می‌شود.

شبان آز را با گله پرهیز انسی نیست/ به گرگی ناگهان خواهد بدل کردن شبانی را (دیوان: ۲۸۹)

ز تیغ حرص، جان هر لحظه‌ای صد بار می‌میرد/ تو علت گشته ای این مرگ ناگهانی را (همان: ۲۹۰)
 اسیر دام هوی و قرین آرزیدن/ اگر دمی و اگر قرن هاست، رسوائیم (همان: ۲۴۹)
 هر کس ز آرزوی نهفت از بلا رهید/ آن کو فقیر کرد هوای را توانگر است (همان: ۲۹۴)
 - آرزوی بلای تقوی و پرهیزکاری است:
 نگردد با تو تقوی دوست، تا همکاسه آزی/ تباشد با تو دین انباز، تا انباز شیطانی (همان: ۳۸۸)

۹- تشویق به واقع‌بینی و تلاش و عمل:

اندیشه‌های پروین در این زمینه، متکی است بر این نکته که انسان باید بر مبنای خرد، دانش و تجربه، بیشترین بهره را از فرصت‌های کوتاه زندگی ببرد و قبل از آن که مرد حرف و ادعا باشد باید مرد عمل و تلاش باشد.
 تمام کارهای ما نمی‌بودند بیهوده/ اگر در کار می‌بستیم روز کاردانی را (همان: ۱۷)
 در آسمان علم، عمل برترین پر است/ در کشور وجود، هنر برترین غناست (همان: ۱۷)
 بهره‌گیری از ترکیبات تشبیهی «آسمان علم، کشور وجود و نیز تشبیه عمل به پر و غنا به ثروت» از مایه‌های اصلی اشعار تعلیمی و آموزش مسائل عقلانی است.

۱۰- احتیاط و پرهیز از شتاب کاری

قَدْرُ ثَمِّ أَقْطَعِ وَ فِکْرُ ثَمِّ انْطِقِ (امام علی علیه‌السلام) اندازه بگیر، سپس ببر، بیندیش، آن‌گاه بگو. انسان خردمند پس از بررسی جوانب کار و موانع و مشکلات احتمالی پیشرو با رعایت جانب احتیاط به انجام کار خود اقدام می‌کند در مقابل انسان نادان و جاهل وی دوراندیشی و بی‌تدبیر و فکر کردن به عواقب کار اقدام به انجام کارها می‌کند و در نهایت شکست و پشیمانی حتمی است. پروین ضمن حکایت «معمار نادان» رعایت احتیاط را یک ضرورت عملی می‌داند.
 داستان از زبان مورچه خوار بیان می‌شود آن زمان که مورچه پس از خوارداشت مورچه‌خوار، به بدگویی از او، به خودستایی و لاف زدن مشغول می‌گردد و این گزافه‌گویی باعث می‌شود که از مسیر خرد و خردورزی منحرف شود و احتیاط را نادیده بگیرد در نتیجه این بی‌احتیاطی به هلاکت و نابودی محکوم می‌گردد.

خُرد بودیم و بزرگی خواستیم هم درافتادیم و هم بر خاستیم

مور خوارش گفت کای یار عزیز/ گر تو نقاشی بیا طرحی بریز

...خوب لغزیدی و گشتی سرنگون / خوب خواهی‌مست مکید این لحظه خون

بس که از معماری خود دم زدی/ خانه تدبیر را بر هم زدی

... دیده را بستنی و افتادی به چاه/ ره شناسا این تو این پرتگاه

... پا منه بیرون ز خط احتیاط / تا چو طومارت نیچاند بساط (همان: ۱۲۴)

او برای اینکه انسان‌های شتابزده و ناآرام را از زودباوری در مورد ساده بودن انجام هر کار، درآورد و آنان را به تأمل و دقت بیشتری برای پیشبرد امور فرا خواند چنین می‌گوید:

تو خواهی دردها درمان کنی، اما به بیدردی/ تو خواهی صعب‌ها آسان کنی، اما به آسانی (همان: ۳۸۷)

۱۱- خرد و دانایی

عقل در دیوان پروین اعصابی مترادف با مفهوم خرد و دانایی است. عقل و خرد آدمی، شناسنده نیکی و بدی و کژی و ناراستی است. انسان بی‌خرد همواره در رنج و سختی است. عقل و خرد در حدود ۹۰ بار در شعر پروین با زبان تشبیه بازنمایی شده است؛ از آن جمله در قالب ترکیبات تشبیهی همچون: چراغ آسمانی، چراغ عقل، خسرو عقل، دکه عقل، غواص عقل، جامه عقل، سپر و جوشن عقل، معمار عقل، لشگر عقل، خوان عقل، چراغ فکر، جویبار خرد، نور خرد، صدای عقل و خرد، رساتر به گوش می‌رسد:

سر بی چراغ عقل گرفتار تیرگی است/ تن بی وجود روح، پراکنده چون هباست (همان: ۳۱۵)
 بپرس ارائه این ندای گمراهی است / بخواه چاره ز راه عقل این نه روز ناچاری است
 به چشم عقل ببین پرتو حقیقت را / مگوی نور تجلی فسون و طراری است (همان: ۳۰۷)
 خرد نیکوترین همنشین است که خوانندگان باشندگان خود را سامان دهد و چراغی است پر نور که راهیان راه معنی و حقیقت را رهنمون می‌کند و از ظلمت نادانی می‌راند:
 آن کس که همنشین خرد شده هر نسیم/ چون پر کاه بی سر و سامان می شود
 راهنمای راه معنی جز چراغ عقل نیست / کوش پروین تا به تاریکی نباشی رهسپار (همان: ۳۲۸)
 یک گوهر معنی ز کان حکمت/ در گوش، چو فرخنده گوشوار است
 هر جا که هنرمند رفت گو رو / گر کابل و گر چین و قندهار است
 فضل است که سرمایه بزرگی است/ علم است که بنیاد افتخار است (همان: ۲۹۳)
 گوی علم و هنر اینجاست ولی بی رنج/ دست هرگز ندارد برد چوگانش (دیوان: ۳۴۶)
 ز جوی علم، دل را آب داده تا بر لب آبی/ ز خوان عقل، جان را سیر کن تا بر سر خوانی
 ز آرایش نداری باک تا عقلست معیارت / سبکساری نبینی تا درین فرخنده میزانی (همان: ۳۸۹)

۱۲- خرد و خداباوری و دینداری

خداشناسی، توحید و عرفان از عناصر سازنده شعر پروین است که از ذهن او تراوش می‌کند (امیری خراسانی، ۱۳۸۵: ۴۰) لایه‌های زیرین سخن پروین سرشار از ارزش دادن به تعهد و اندیشه خداباوری است. در نگاه پروین، خرد و دینداری و تعقل، آشکارا بر خرد باوری و خدا محوری تأکید می‌شود. در دیوان پروین در حدود ۲۰ سروده به طور مستقیم خرد باوری توأم با خدا باوری به تصویر کشیده شده است. در بیشتر این سروده‌ها شاعر با همان نگاه آرمانگرایانه خویش می‌کوشد که اندیشه و تأملات بشری به نور علم و دانش و خرد ورزی آراسته گردد تا از رهگذران تیرگی‌ها را از اقلیم دل بشوید و نور تجلی بخش موسوی به درون آدمی و در نگاه وسیع تر به جهان هستی تابناک گردد. از سویی دیگر در نظرگاه پروین، هیچگاه خرد و تعقل و خداباوری در تقابل با یکدیگر نیستند؛ زیرا همه چیز از آیین انسان ساز آموزه‌های اسلامی و خاستگاه وحیانی آن سرچشمه می‌گیرد.
 ای خوشا خاطر ز نور علم مشحون داشتن/ تیرگی‌ها از این اقلیم بیرون داشتن
 همچو موسی بودن از نور تجلی تابناک/ گفتگوها با خدا در کوه و هامون داشتن
 پاک کردن خویش را ز آلودگی‌های زمین/ خانه چون خورشید در اقطار گردون داشتن
 عقل را بازارگان کردن به بازار وجود/ نفس را بردن برین بازار و مغبون داشتن
 ... عقل و علم و هوش را با یکدیگر آمیختن/ جان و دل را زنده زین جانبخش معجون داشتن (دیوان: ۱۴۸)
 نور حق، همواره در جلوه گری است/ آن که آگه نیست، از بینش بری است (همان: ۸۲)

۱۳- سعادت

پروین برای سعادت جهان بشریت راهی جز مجاهده در راه علم و تزکیه دل نمی‌شناسد. آرمانش، توسعه دانش‌ورزی و پالایش روح از پلیدی‌ها است.
 یکی کشتی از دانش و عزم باید/ چنین بحر پر وحشت بیکران را (همان: ۲۸۶)
 در نگاه پروین، آراستگی به فضل و دانش و خرد برترین وسیله برای رهایی و سعادت آدمی است. بی شک ریشه این گونه تفکرات بی ارتباط به اوضاع اجتماعی و فضای آکنده از جهل و نادانی مردم زمانه نیست. برخی از سروده‌های پروین اساساً به نوعی در پی بیداری و آگاهی مردم زمانه است:
 به معمار عقل و خرد تیشه ده / که تا خانه جهل ویران کند (همان: ۳۲۲)

جهل پای تو بندد چو بیابد دست/ فرصت هست، مده فرصت جولانش (همان: ۳۴۶)
 خرد از دام تو بگریخته، باز آرش/ هنز نزد تو برخاسته، بنشانش (همان: ۳۴۸)
 به که بجوی و جر دانش چرد/ آهوی جانست که اندر چراست (همان: ۲۹۹)

۱۴- ستایش دانایی و نکوهش نادانی

در نگرش عالمانه و عارفانه پروین، فرزاندگی و خردورزی نقش پررنگی دارد. مطالعه اشعار وی گویای این مطلب است. وی عقل و دانایی را همچون پیرفرزانه می‌داند که در ظلمات عالم ناسوت ره می‌نماید و رهروان طریقت را به سر منزل مقصود و سعادت و رستگاری می‌رساند.

بپرس ز راه علم، این نه جای گمراهی است/ بخواه چاره عقل، این نه روز ناچاری است (همان: ۳۰۷)
 در دستگاه فکری پروین، خرد برترین گوهر است و جهل و نادانی مذموم. از آن جمله عقل را چراغی دلفروز آسمانی و علم را بهاری بی‌خزان می‌داند:

فضل است چراغی که دلفروز است/ علم است بهاری که بی‌خزان است (همان: ۳۰۵)
 - عجب و خودپسندی، چراغ عقل را می‌کشد:

چراغ آسمانی بود عقل اندر سر خاکی/ ز باد عجب کشتیم این چراغ آسمانی را (همان: ۲۸۹)
 رهنمای راه معنی، جز چراغ عقل نیست/ کوش پروین، تا به تاریکی نباشی رهسپار (همان: ۳۲۸)
 سر بی‌چراغ عقل گرفتار تیرگی است/ تن بی‌وجود روح، پراکنده چون هباست (همان: ۳۰۱)
 - در نکوهش جهل می‌گوید:

هم ز جهل تو سوخت حاصل تو/ عمر چون پنبه، جهل چون شر است (همان: ۱۶۲)
 - اگر در ملک وجود جهل حکمرانی کند، خسرو عقل با او همدستان نمی‌شود:
 یاری نکند با تو خسرو عقل/ تا جهل به ملک تو حکمران است (همان: ۳۰۶)
 - آفت عقل، حرص و آز است:

جامه عقل ز بس در گرو حرص بماند/ پود پوسید بهم ریخته شد تاری چند (همان: ۳۱۹)
 - دیده ظاهر بین ظاهر پرست موجب خواری عقل است:
 عقل را خوار کند دیده ظاهر بین/ روح را زار کشد مردم تن پرور (همان: ۳۴۰)

۱۵- مدارا و مردم‌داری

در شعر پروین رفتار نیک انسانی و خلق و خوی نیکو، عملی حکیمانه و از نشانه‌های عقل و ثمره خردورزی است:
 پروین به روز حادثه و سختی/ در کار بند صبر و مدارا (همان: ۲۸۵)
 بیش از همه با خویشتن کند بد/ آن کس که بد خلق خواستار است (همان: ۲۹۳)
 هر که آزار روا داشت ضد آزاده/ هر که چه کند ذر افتاد به چاه اندر
 گر نخواهی که رسد بر دلت آزاری/ بر دل خلق مزین بی‌سببی نشتر (همان: ۳۳۷)
 به کس می‌پسند رنجی کز برای خویش نپسندی/ به دوش کس منه باری که خود بردش نتوانی (همان: ۳۸۶)

۱۶- عشق و خرد

پروین اعتصامی در مناظره «کوتاه نظر» با نگاهی خردمندانه و از زاویه متفاوت حقیقت عشق و محبت را موشکافی کرده است و مخاطب خرد و به‌ویژه، معشوق را از خود بینی و خود شیفتگی برحذر می‌دارد. پروین ضمن این مناظره، از زبان پروانه در نقش صدای عقل و در عیت حال عاشقی دلسوخته و پرسوخته ضمن توصیف کیفیت عشق، با نگاهی خردمندانه ادعاهای خودبینانه معشوق را مردود می‌شمارد.
 شمع بگریست گه سوز و گداز/ کاز چه پروانه ز من بیخبر است

بسوی من نگذشت، آنکه همی/سوی هر برزن و کویش گذر است
 بسرش، فکر دو صد سودا بود/عاشق آنست که بی پا و سر است
 گفت پروانه پر سوخته‌ای/ که ترا چشم، به ایوان و در است
 من به پای تو فکندم دل و جان/ روزم از روز تو، صد ره بتر است
 پر خود سوختم و دم نزدم/گر چه پیرایه پروانه، پر است
 کس ندانست که من می‌سوزم /سوختن، هیچ نگفتن، هنر است
 آتش ما ز کجا خواهی دید/ تو که بر آتش خویش نظر است
 به شرار تو، چه آب افشانند/ آنکه سر تا قدم، اندر شرر است
 با تو می‌سوزم و می‌گردم خاک/ دگر از من، چه امید دگر است
 پر پروانه ز یک شعله بسوخت/ مهلت شمع ز شب تا سحر است
 سوی مرگ، از تو بسی پیشترم/ هر نفس، آتش من بیشتر است
 خویشتن دیدن و از خود گفتن/ صفت مردم کوتاه نظر است (همان: ۱۵۵)

۱۷- تقدیر

پروین تقدیر را در سرنوشت و سعادت انسان مؤثر نمی‌داند. وی معتقد است که باید از عقل و خرد پیروی کنیم تا آینده خود و سعادتمان را تأمین کنیم. پروین کوشش بر مدار خرد را اصل مؤثر در زندگی انسان می‌داند و سعادت انسان را ساخته این کوشش محسوب می‌کند. (بیگزاده و صفی زاده، ۱۳۹۴: ۱۶۰).
 دیوانگی است قصه تقدیر و بخت نیست از بام سرنگون شدن و گفتن این قضاست
 در آسمان علم، عمل برترین پر است/ در کشور وجود، هنر بهترین غناست
 می‌جوی گر چه عزم تو ز اندیشه برتر است/ می‌پوی گر چه راه تو در کام اژدهاست (دیوان: ۳۰۲)
 همه کردار از توست چنین تیره/ چه کنی شکوه ز ماه و گله از اختر (دیوان: ۳۴۳)
 گر گرانباریم، جرم چرخ چیست/ بار کردار بد خود می‌بریم (همان: ۳۵۶)
 دیده ببندی و درافتی به چاه/ این گنه توست، نه حکم قضاست (همان: ۲۹۷)

۱۸- کاهلی

کار امروز را به فردا انداختن نشان خردمندی نیست؛ کاهلی ناپسند و نابخردانه است:
 فردا ز تو نایب توان امروز/ رو کار کن اکنون که وقت کار است
 همت گهر وقت را ترازوست/ طاعت شتر نفس را مهار است
 ... امسال چنان کن که سود یابی/ اندوهت اگر از زیان پار است (همان: ۲۹۱)
 از بس بختی، این تن آلوده را/ آلوده این روان مصفا را (همان: ۲۸۳)
 کاهلی‌ات خسته و رنجور کرد درد تو/ دردیست که کارش دواست (همان: ۲۹۸)
 گر زنده ای و مرده نه‌ای کار جان‌گزین/ تن پروری چه سود چو جان تو ناشتاست (همان: ۲۹۹)
 تو مردمی و دوست مردم فضیلت است/ تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست (همان: ۳۰۰)

نتیجه‌گیری

پروین اعتصامی، اختر تابناک آسمان شعر و ادبیات معاصر پارسی، از جمله شاعرانی است که کلام ساده، رسا، جذاب، انسانی و دوست‌داشتنی او تأثیر فوق‌العاده بر مخاطبان خود می‌گذارد و به نحو شگفت‌انگیز و دلنشینی در قلب و روح آدمی نفوذ می‌کند. پروین در سروده‌هایش، معلمی دلسوز و حکیمی کمال‌گرا است که با چراغ عقل، دل‌های شکسته و

خاطر افسرده را با بیانات حکیمانه و تسلیت‌های عارفانه به سوی سعی و عمل، امید حیات، اغتنام دم، کسب کمال و هنر، همت مضاعف و اقدام و عمل، نیک‌بختی و فضیلت رهنمون می‌کند. وی با بیان هنری و ادبی خود آدمی را به جهانی آرمانی و به دور از رنگ و ریا و دنیاپرستی رهنمون می‌کند. در بینش خردمندانه وی جهل و تاریکی و ظلم و ستم همواره مورد سرزنش قرار گرفته است. پیروزی نهایی از آن کسانی است که فضایل نیک انسانی و اخلاقیات را مورد توجه قرار می‌دهند و سربلند و رستگار کسی است که پایبند بدین فضایل است. در نگاه پروین اعتصامی تفاوتی میان انسان‌ها نیست؛ و خلوص نیت، کار و تلاش مضاعف و گوهر خرد و دانش است که مرتبه ایشان را تعیین می‌کند. پروین اعتصامی با تکیه بر سرمایه و با بهره‌گیری از امکانات ادبی و بیانی، بسیاری از تعالیم سازنده را که موجب سعادت انسان می‌شود در ذهن و زبان فاخر و پویای خود تبیین و بازنمایی کرده است.

مشارکت نویسندگان

میزان مشارکت نویسندگان در نگارش مقاله به طور کسان است.

تشکر و قدردانی

تقدیر و تشکر

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۴). از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)، جلد سوم، تهران: زوار.
- اعتصامی، پروین (۱۳۸۵). مجموعه اشعار پروین اعتصامی، با مقدمه ملک‌الشعراى بهار، تهران: آگاه.
- اکبری، منوچهر (۱۳۸۵). مجموعه مقالات کنگره نکوداشت پروین اعتصامی، تهران: خانه کتاب.
- بیگ زاده، خلیل؛ صفی زاده، علی (۱۳۹۴). «بازنمایی اصول کلاسیسم و نئوکلاسیسم در شعر پروین اعتصامی». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۷ (۲۸)، ۱۴۵-۱۶۴.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روان‌شاد، علی اصغر؛ ابراهیمی‌نیا، احمد (۱۳۹۷). «خردورزی در منظومه‌های تمثیلی احمد شوقی و پروین اعتصامی». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۸ (۳۰)، ۴۱-۶۸.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶). با کاروان حله (مجموعه نقد ادبی)، تهران: علمی.
- زرن، آرسی (۱۳۷۵). طلوع و غروب زردشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، تهران: فکر روز.
- شریعت، محمدجواد (۱۳۷۰). یادنامه پروین اعتصامی، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر دنیای مادر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). از عصر جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت‌الله اصیل، تهران: نشر نی.
- صدرايي، رقيه (۱۳۹۵). «تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)». پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۸ (۲۹)، ۱۵۳-۱۷۰.
- مستعلی پارسا، غلامرضا؛ قدیری یگانه، شبنم (۱۳۸۸). «حکمت عملی از دیدگاه پروین اعتصامی»، مجله بهار ادب، ۲ (۲)، ۹۷-۱۱۶.
- مشرف، مریم (۱۳۹۰). «مفهوم تجدد و رویکرد و نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۳ (۱۱)، ۱۳۵-۱۵۲.
- ممتحن، مهدی، محمدی، گردآفرین (۱۳۹۰). «پروین اعتصامی در گذرگاه ادبیات تعلیمی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۳ (۱۰)، ۱۲۳-۱۵۲.
- نهج البلاغه (۱۳۸۵). ترجمه علی دشتی، قم: زاهدی.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۸). جویبار لحظه‌ها؛ جریان‌های ادبی معاصر ایران، تهران: جامی.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران: علمی.